

■ **سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴**

■ **سال هفدهم ■ شماره ۳۱۱۰**

سپهرغرب، گروه شهر – طاهره ترابی‌مهوش؛ عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا در واکنش به اینکه فرض کنید همه مدیران شهری به اهمیت ارزیابی اجتماعی پی ببرند، منابع مالی هم داشته باشند، چه کسی باید این پروژه را اجرا کند؟ چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ ما اکنون در مدیریت شهری همدان با این معضل مواجهیم که وقتی قرار است طرحی اجرا شود، آن را به مناقسه می‌گذارند. شرکت‌هایی که شاید فقط در ظاهر واجد شرایط هستند، وارد میدان می‌شوند و طرح را اجرا می‌کنند بدون آنکه شناخت درستی از شهر داشته باشند. برای مثال در طرح جامع همدان، مشاور طرح، اطلاعات دقیقی از شهر نداشت و طرحی غیرکاربردی ارائه کرد که تا امروز هم اجرایی نشده چون واقعیت این است که کسی که در شهری دیگر نشسته، نمی‌تواند نسخه‌ای برای همدان بنویسد گفت: برای ارزیابی اجتماعی باید الزامات و استانداردهایی تعریف شود و بدانیم که هر پروژه، فضای اجتماعی جدیدی ایجاد می‌کند که به‌نوبه خود الگوی حضور و حرکت مردم را تغییر می‌دهد، این تحولات به مطالعات قبلی نیاز دارند.

دکتر محمدرضا عراقچیان ادامه داد: متأسفانه ما معمولاً مطالعه‌ای از پیش نداریم. مثلاً فضای زیر تقاطع‌ها و پل‌ها در بهترین حالت تبدیل به پارکینگ می‌شود، در حالی که در اروپا همین فضاها را به قرارگاه‌های فرهنگی و رفتاری تبدیل می‌کنند.

وی با بیان اینکه حتی اگر خیابانی را تخریب یا مدرنیزه می‌کنیم، باید بتوانیم آن را به مدل جدیدی از رفتارهای اجتماعی تبدیل کنیم گفت: مثلاً الگویی مانند کافه، قهوه‌خانه یا مراکز محله‌ای با کارکردهای تازه را در زیر پل‌ها ایجاد کنیم، اینجاست که ارزیابی اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا می‌کند. اینکه در طراحی پروژه به آینده و جزئیات آن فکر نکنیم، اشتباه بزرگی است.

این کارشناس حوزه شهر در توضیح اهمیت ارزیابی‌های اجتماعی پروژه‌ها و سیاستگذاری‌های کلان در مقیاس شهری، عنوان کرد: طراحی معماری داخلی را خیلی‌ها ساده و فوری می‌دانند؛ مثلاً من امروز می‌روم پیش نجار و می‌گویم، «برای تلویزیونی که دو سال است خریده‌ام، یک میز بساز». این نوع طراحی، فوری و بدون مطالعه است اما اگر بخواهیم طراحی اصولی و پایدار انجام دهیم، طراح باید فردی عاقل و باتجربه

باشد. باید با من مصاحبه اجتماعی، اقتصادی و... انجام دهد. شاید این فرایند سه سال طول بکشد، چون مدل کار، کاملاً متفاوت با نگاه‌های سطحی رایج است؛ مدلی که در جوامع غربی رواج دارد.



عراقچیان ادامه داد: حال در مقیاس بزرگ‌تر یعنی طراحی یک ساختمان، وقتی از طراح می‌پرسم چقدر زمان می‌خواهد، می‌گویند برای طراحی خانه‌ات باید ۶ ماه مطالعه دقیق انجام دهم؛ به گفته اساتیدی همچون دکتر دیبا، برای طراحی باید از نوع زندگی آدم‌ها شناخت داشت که ما به این موضوع می‌گوییم «چسبندگی به سرزمین» یا «احساس تعلق»؛ یعنی وقتی کسی وارد خانه‌ای می‌شود، دلش نخواهد به‌راحتی از آن دل بکند؛ بنابراین اینکه برخی‌ها هر سال محل سکونت خود را عوض می‌کنند بیانگر آن است که این افراد تعلقی به شهر ندارند.

وی با بیان اینکه تأثیر اجتماعی تحولات در معماری، دست‌کم دو تا سه سال زمان می‌برد اما در شهرسازی بین ۲۰ تا ۵۰ سال طول می‌کشد گفت؛ برای درک بهتر این مسئله به مثالی اشاره می‌کنم؛ مرحوم محمد بهنامجو شهردار اسبق همدان سال‌ها پیش تعداد بسیاری پارک محلی و شهری ساخت که در حال حاضر، بعد از سال‌ها، اثر آن دیده می‌شود به طوری که شهری که قبلاً ساعت هفت شب خاموش و بی‌روح می‌شد، امروز شادتر و پرنشاط‌تر شده است.

وی با ابراز اینکه با تغییر رفتارهای اجتماعی

در حوزه شهرسازی، برنامه‌ریزی باید بلندمدت باشد ابراز کرد؛ این کار، کاری نیست که با علوم تک‌بعدی بشود انجام داد مثلاً ریاضی یا فیزیک، علوم پایه‌اند و در یک ساحت عمل می‌کنند اما در حوزه شهری، چنین چیزی ممکن نیست؛ بنابراین اینکه من معمار، فقط معماری بدانم، کافی نیست چراکه اگر جامعه‌شناسی ندانم یا تحلیل اقتصادی بلد نباشم، نتیجه‌اش می‌شود طرح‌های جامع ۵۰ ساله‌ای که در ۱۱ جلد جزوه خلاصه شده‌اند و هنوز به نتیجه نرسیده‌اند.

این استاد دانشگاه بوعلی سینا ادامه داد: برای موفقیت در این حوزه، باید گروهی از افراد متخصص در سطوح عالی دانشگاهی حضور داشته باشند؛ افرادی که از دانش هم وام بگیرند، یکدیگر را بفهمند؛ مثلاً اگر من حرف دکتر نقدی را به‌عنوان معمار در حوزه مسائل اجتماعی متوجه نشوم، پروژه شکست می‌خورد درست مثل آنچه که در طرح‌های جامع شهری هم دیده‌ایم، یعنی مطالعات اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ترافیکی انجام شده اما به فردی به‌نام «طراح شهری» سپرده شده که فقط عدد و رقم ارائه داده و اثرات اجتماعی را ندیده که نتیجه می‌شود یک طرح ناکارآمد، مثل طرح جامع فعلی.

عراقچیان با اشاره به اینکه برنامه‌ریزی شهری، حاصل برهم‌کنش تخصص‌های مختلف است که اگر من، به‌عنوان طراح، از حقوق شهری، گرافیک شهری، هنر و تاریخ تمدن بی‌اطلاع باشم، نتیجه آن پروژه‌ای ناقص خواهد بود که فاقد عمق و بینش بین‌رشته‌ای است اظهار کرد: برای مثال درخصوص ثبت جهانی هگمتانه، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا قبلاً بررسی کرده بودیم که در آینده چه اتفاقاتی خواهد افتاد؟ ورود گردشگران زیاد یا کم، گردشگران داخلی و خارجی، چه اثر اجتماعی و فرهنگی دارد؟ آیا فرهنگ ما قالب است یا مغلوب؟

■ مدیران شهری تمایلی به ارزیابی اجتماعی مستقل پروژه‌ها ندارند

در ادامه جامعه‌شناس شهری نیز با بیان اینکه متأسفانه در کل مدیران ما تمایلی به اجرای ارزیابی اجتماعی مستقل ندارند گفت؛ ارزیابی اجتماعی مستلزم آن است که پروژه‌ها با دقت و آرامش اجرا شوند، نه با عجله و برای افتتاح سریع؛ چون این پروژه‌ها باید مبتنی بر مطالعه و عقلانیت باشند اما متأسفانه،

؟

شهرداران در برخی شهرها بی‌حوصله‌اند و می‌خواهند در مدت چهار سال، تمام دستاوردها را نشان دهند، این نگرش باعث می‌شود که بسیاری از پروژه‌ها عجولانه و بدون ارزیابی صحیح اجرا شوند.

دکتر اسدالله نقدی ادامه داد: در حالی که مدیران برای رسیدن به موفقیت باید به‌دنبال کارهای بلندمدت و با هدف رفاه عمومی باشند که متأسفانه رویکرد مدیران ما معمولاً شبیه فست‌فودی‌ها و کم‌حوصله است، این امر به‌دلیل کوتاه بودن دوره‌های مدیریت و میل به نشان دادن سریع موفقیت‌ها است.

وی، اذعان کرد: تأسف‌بارتر اینکه بیشتر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی پروژه‌ها در اولویت قرار نمی‌گیرد در حالی که در دنیا، به‌ویژه در شهرهای اروپایی، احساس تعلق و سرمایه اجتماعی بسیار مهم است.

این استاد دانشگاه بوعلی سینا با اشاره به مطالعاتی که در حوزه بازآفرینی شهری در محلات قدیمی شهر طی سال‌های گذشته انجام داده گفت؛ در این مطالعات دیدیم که بسیاری از مردم در محله‌های قدیمی سال‌ها زندگی کرده‌اند و از همین‌جا سرمایه اجتماعی و احساس تعلق ایجاد شده؛ یعنی وقتی افراد در یک محله ۱۰ یا ۲۰ سال زندگی می‌کنند، ارتباطات و خاطرات مشترک می‌سازند که باعث اتصال اجتماعی می‌شود اما در شهرهایی که این نوع ارتباطات وجود ندارد و سرمایه اجتماعی کم است این امر باعث می‌شود که ساکنان یک شهر، در حقیقت، هیچ‌گاه به یک «شهروند» تبدیل نشود.

■ ارزیابی اجتماعی زمینه ساز مشارکت اجتماعی

نقدی با بیان اینکه بعضی از مدیران دوراندیش، پروژه‌های اجتماعی را با فراغ بال بیشتری به لحاظ زمانی انجام می‌دهند، اما رویکرد عمومی هنوز هم بر اساس فشردگی زمان و عدم برنامه‌ریزی صحیح است افزود؛ یکی از مشکلات دیگر این است که اغلب مدیران ما به ارزیابی اجتماعی به‌عنوان یک امر ضروری نگاه نمی‌کنند، در حالی که این امر همچون جلب مشارکت مردمی در تصمیم‌سازی‌ها است بنابراین وقتی مردم احساس مشارکت کنند، حتی اگر مشکلاتی هم پیش بیاید، تقصیرها تقسیم می‌شود و افزایش سرمایه اجتماعی را در پی خواهد داشت.

در ادامه عراقچیان با اشاره به برگزاری جشنواره انتخاب شهروند برگزیده که در دوره جدید شورا کنار گذاشته شد، گفت: هدف جشنواره‌ها و برنامه‌هایی که در این زمینه برگزار می‌شود، افزایش تعلق خاطر سرزمینی و ایجاد مبادلات فرهنگی است به طوری که مردم را به مشارکت و احساس مسئولیت در قبال شهر و محیط زیست تشویق کنند چراکه مدیران شهری باید به این نکته توجه داشته باشند که برای بهبود شرایط شهری و افزایش سرمایه اجتماعی، به همکاری و مشارکت واقعی مردم نیاز است.

وی با تأکید بر اینکه طی چند سال گذشته در پی برگزاری این جشنواره مبادله اجتماعی ایجاد می‌شد گفت: به دیگر سخن وقتی در شهر، نشان یا عنوانی برای شهروندان برگزیده در نظر گرفته شود، افراد ناچار می‌شوند رفتارشان را اصلاح کنند. اما وقتی هیچ اتفاق خاصی در شهر نمی‌افتد و نسبت به شهروندان یا مهاجران هیچ رویکرد مشخصی وجود ندارد، نتیجه‌اش شهر خالی از جمعیت می‌شود.

وی ادامه داد: اصولاً کسی وقتی چند سال در جایی ساکن می‌شود، که به‌نظر من حداقل می‌بایست ۳۰ سال و به‌نظر جامعه‌شناسان ۲۵ سال باشد، به شهروند آن شهر تبدیل می‌شود، متأسفانه امروز این عدد به‌شدت در حال کاهش است یعنی مثلاً احساس می‌کنم از نظر اجتماعی فاصله زیادی بین من و برادری که فقط سه سال از من کوچکتر است، وجود دارد.

■ تغییر نگرش حکمروایی با حکمرانی نیاز امروز مدیریت شهری

این استاد دانشگاه، ادامه داد: ما امروز باید با رویکردی نوین در حوزه مدیریت به نام «حکمروایی» کار کنیم، یعنی مبادله افکار، دستور از پایین به بالا و پذیرش دیدگاه‌های اقشار پایین‌تر جامعه در فرآیند تصمیم‌سازی؛ اما مدیریت جامعه ما هنوز به «حکمرانی» عادت دارد. هنوز نمی‌خواهد از تفکر سلسله‌مراتبی عبور کند؛ بنابراین اینکه چرا شورای شهر ما، در عمل تنها به شورای شهرداری تبدیل شده و نتوانسته در عرصه مدیریت کلان‌شهر ایفای نقش کند، ناشی از همین مسئله است؛ چراکه برای دولت‌ها و حتی برای مدیران قدرت جذاب است و از دست دادن آن سخت. بنابراین، تمایلی به واگذاری اختیارات و مشورت‌پذیری وجود ندارد؛ در حالی که وقتی مشارکت واقعی وجود



داشته باشد، سود و زیان بین همه تقسیم و حتی سهم تقصیر مدیران هم کمتر می‌شود، اما یکی از ایرادهایی که من امروز می‌بینم، نوعی ذوق‌زدگی است که می‌تواند مانع از یک نگاه عمیق و منطقی به این فرآیندها شود.

عراقچیان، افزود: درواقع در بهره‌برداری از فناوری‌های اروپایی، نوعی ذوق‌زدگی دیده می‌شود در حالی که رویکرد دنیای امروز شهرسازی، استفاده از الگوهای سنتی در کنار فناوری‌های پیشرفته، است.

وی با بیان اینکه به اذعان جامعه‌شناسان، جامعه ایرانی یکی از عجول‌ترین جوامع برای پذیرش تغییرات است، اظهار کرد: مسلماً ضمن بهره‌مندی از فناوری روز، فضای عمومی و قرارگاه‌های اجتماعی نیز لازم است زنده شوند و این کار را مدیریت شهری باید انجام دهد.

وی با ابراز اینکه اگر بخواهیم زندگی و ساختار اجتماعی را اصلاح کنیم، باید پذیریم که مسائل اجتماعی باید در اولویت باشند، تصریح کرد: اگر مسائل اجتماعی را از شهر بگیریم، چیزی به‌جز مصالح بی‌روح باقی نمی‌ماند.

این استاد دانشگاه بوعلی سینا با اشاره به اینکه اگر می‌خواهیم با مردم زندگی کنیم، باید بازار و فضاهای اجتماعی را زنده کنیم تصریح کرد: یکی از کارهایی که می‌توان انجام داد این است که به بهانه‌های مختلف از بزرگان بازار تقدیر شود، به‌عنوان مثال، با دعوت از معتمدان بازار از آن‌ها تقدیر به عمل آوریم چراکه این کار باعث می‌شود تا مردم احساس تعلق و ارتباط اجتماعی پیدا کنند.

عراقچیان افزود: نکته بعدی اینکه اگر من مطالعات اجتماعی انجام داده‌ام، باید توجه کنم که این نسخه قابل تکثیر نیست و نمی‌شود همه‌جا یکسان عمل کرد.

وی با تأکید بر اینکه چشم‌انداز باید واقع‌بینانه بوده و قابلیت تبدیل شدن به عدد و رقم ملموس را داشته باشد چراکه اگر به عدد برسیم، دیگر کسی نمی‌تواند آن را رد کند. گفت: علاوه بر این توقعات در پروژه‌ها باید روشن باشد.

این عضو هیئت‌علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان با اشاره به اینکه در مورد پروژه‌ها، همچنین باید به تفاوت‌ها و خلاقیات‌ها توجه کرد، گفت: مثلاً اگر پروژه‌ای مانند پارک اکباتان شروع می‌شود، باید مشخص شود که مقیاس آن چقدر است و تأثیرات آن روی جامعه و شهر چیست؟